[281] وما از بهترين درختى هستيم كه شاخه هاي بارور وميوه هاي پاكيزه وبدنهاى بر جا مانده أي را رويانيد، در آن اصل اسلام وعلم نبوت است، آنگاه كه جاى افتخار رسيد برتر گرديده، وآنگاه كه از برتر شدن ما جلوگيرى شد ما طلب برترى نموديم، وما درياهاى عميقي هستيم كه تهى از آن نگرديده، وكوههاى محكمى هستيم كه مغلوب نمى گرديم. در اين هنگام مروان بن حكم ومغيرة بن شعبه سخن گفتند واو وپدرش را كم ارزش جلوه دادند، امام حسن عليه السلام سخن گفت وفرمود: أي مروان ! آيا از ترس وخوارى وضعف وعجز سخن مى گويى، گمان كردى كه خود را ستودم در حاليكه پسر پيامبر خدايم، ومقامم را بالا بردم در حاليكه سرور جوانان اهل بهشتم، واى بر كسى كه فخر مى فروشد وتكبر مى كند تا خود را برتر جلوه دهد، وكسى خود را بزرگ مى نمايانند وقصد گردن فرازى دارد، اما ما خاندان رحمت وجايگاه كرامت وبزرگوارى، وموضع خير ونيكى، ومعدن ايمان، ونيزه اسلام، وشمشير دين هستيم. مادرت به عزايت بنشيند چرا سكوت نمى كنى قبل از آنكه امور هولناك را به سويت بفرستم وبيان دارم، وتو را به نشانه أي بنمايانم كه از نامت بى نياز شوى، اما بازگشتت با غارت آيا در روزى بود كه ناداري را سرپرستى كرده، وترسوئى را پناه دادى، بهره وغنيمتت فرارت بود
